

مورد پند گرفت که فقط زحمت و فعالیت انسان در راه تورا و میسوا است که برای وی باقی می‌ماند و تنها این سرمایه است که می‌تواند آن را با خود به عالم باقی ببرد. دیگر زحمات برای مادیات در همین دنیا باقی می‌مانند و نمی‌تواند آنها را همراه با خویش ببرد. پس باید عاقل باشد و حداقل به همان اندازه که برای این دنیا زحمت می‌کشد ، برای دنیای باقی و معنویت خویش نیز زحمت بکشد و با ثروتی که دارد ، صداقا و اعمال نیک انجام داده تا این قسمت از زحمت نیز به سرمایه ابدی تبدیل گردد.

ندارد. نیز میوه و سبزیجات از خارج وارد می‌شود و بیشتر مایحتاج تأمین بوده و سال شمیطا کمتر در نظر ما قرار دارد. با این حال ، با خواندن این پاراشا باید درک نمود که وقت آن رسیده که پند سال شمیطا را فهمیده ، هلاخاهای مربوط به آن را آموخته و با تأمل در این موارد ، متوجه شویم که خد-اوند چگونه دنیا را اداره می‌کند و به هر کس رزق و روزی‌اش را داده و مایحتاج او را تأمین می‌نماید. همگی با چشمان خود دیدیم چگونه خد-اوند با یک ویروس کوچک تمام دنیا را تغییر داد و همه چیز تحت تأثیر قرار گرفت. باید از این

منطق تورا

ممکن است این پاسخ ، عجیب باشد، ولی همه می‌فهمند شخص کهن گادول مقام والایی دارد و نمی‌تواند خود را با مرده ناپاک نماید و نیامدن او به سبب بی‌احترامی به پدر خود نیست.

چند روزی می‌گذرد و شخص کهن گادول برای هواخوری از شهر خارج می‌شود و در راه یک مرده می‌بیند که روی زمین افتاده است. هر چقدر که کهن گادول سعی می‌کند افرادی را پیدا نماید که به این مرده رسیدگی و او را دفن کنند ، پیدا نمی‌نماید. حال بر طبق هلاخا باید این مرده را همان جا دفن نمود و شخص کهن گادول مجبور می‌شود خود برای این مرده قبر بکند و کار کفن و دفن او را انجام دهد. همین که شخص کهن گادول کار دفن او را انجام می‌دهد و یک تابلو درست می‌کند و روی آن می‌نویسد: "اینجا یک مرده ناشناس دفن شده ، مواظب باشید تا ناپاک نشوید." و این تابلو را روی قبر این مرده می‌گذارد ، افرادی از آنجا رد می‌شوند و با کمال تعجب می‌پرسند: "چند روز پیش ، این شخص کهن گادول برای خاکسپاری پدر خود نیامد تا خود را با مرده ، ناپاک نکند ، پس چطور اکنون خود را با یک مرده غریبه ناپاک می‌نماید. پس قدوسیت کهن گادول که این همه درباره آن حرف زدند کجا رفت؟"

شخص کهن گادول در پاسخ می‌گوید: "طبق هلاخا ، شخص مرده‌ای که هیچکس را ندارد ، کهن گادول نیز موظف است تا او را دفن نماید."

این افراد متعجب می‌مانند و در همه جا می‌گویند:

"این شخص کهن گادول به پدر خود بی‌احترامی می‌کند و برای او ارزش قائل نیست ، زیرا الان خود را با یک مرده ناشناس ناپاک کرد." و غیره...

معلوم است سخن این افراد منطقی نیست ، زیرا هلاخاهای تورا بر طبق منطق انسان نوشته نشده‌اند ، بلکه این هلاخاها بر طبق منطق خد-اوند و از درک ما خارج هستند. دید و منطق ما محدود به ابعاد

در کتاب وییقرا ، فصل شانزدهم امر می‌کند که افراد کهن نباید خود را با مرده ، ناپاک نمایند ، افراد کهن معمولی می‌توانند فقط با هفت فرد خانواده هسته‌ای خویش یعنی پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، دختر ، پسر و همسر ، ناپاک گردند ، زیرا هر فردی موظف است برای این هفت فرد خانواده هسته‌ای خویش عزاداری نماید. ولی شخص کهن گادول ، حق ندارد حتی با این هفت فرد خود را ناپاک کند و در زمان خاکسپاری ، باید در بیت‌همیقداش مانده و خارج نشود تا اشتباهی پیش نیاید و خود را با مرده ، ناپاک نماید.

دانشمندان تورا از این جملات آموخته‌اند که با وجودی که شخص کهن گادول حتی با هفت فرد نزدیک خانواده خود ناپاک نمی‌شود ، ولی اگر این شخص کهن گادول مرده‌ای را ببیند که هیچ کس به او رسیدگی نمی‌کند ، میسوا است که خود را با آن ناپاک کند و این مرده را به خاک سپارد.

تصور کنیم شخصی برای فرزند خود زحمت می‌کشد تا بزرگ شود و همواره مراقب او است و مایحتاج او را تهیه و وی را تربیت می‌نماید و به او تورا می‌آموزاند تا اینکه بالاخره فرزند او به عنوان کهن گادول انتخاب می‌شود. همه به این پدر ، آفرین می‌گویند که چه فرزندی تربیت کرده که به مقام کهن گادول رسیده است.

چند وقت بعد ، پدر کهن گادول از دنیا می‌رود و همه برای خاکسپاری او جمع می‌شوند و او را تا قبر بدرقه می‌کنند. ولی فرزند او ، کهن گادول نمی‌آید و به کار خود در بیت‌همیقداش ادامه می‌دهد. حال مردم می‌پرسند: "پسر او کجا است؟ چرا نمی‌آید تا پدر خود را بدرقه کند و در عزاداری او شرکت نماید؟"

در پاسخ می‌گویند: "مگر نمی‌دانی ، فرزند او کهن گادول است و برای کهن گادول ممنوع است تا با مرده ، خود را ناپاک کند ، حتی پدر خود و او نمی‌تواند حتی به قبر پدر خود هم نزدیک شود."

می‌کنند ، قرار گرفت ، بلکه باید با جرأت و افتخار راه تورا را ادامه داده و در راه آن قدم برداشت.

همین دنیا است و از ابعاد معنوی دنیا خبری نداریم ، به همین جهت نمی‌توان منطق تورا را به طور کامل درک نمود.
گاهی ما نیز مزکی می‌شویم تا کمی از این منطق را درک کنیم. پس نباید تحت تأثیر سخنان دیگران که هلاخاهای تورا را مسخره

رفت و آمد با دیگران

بهره پردازد ، اگر توبه نکرد ، مجبور می‌شود خود را به عنوان غلام حتی به شخصی غیریهودی بفروشد.

از این سخنان راشی درمی‌یابیم که شخص یهودی که از یک میصوای ظاهراً ساده شمیپا گذشت و با میوه سال شمیپا داد و ستد نمود ، اگر توبه نکند به تدریج مقام و درجه او افت نموده تا جایی که غلام بت‌پرست و بت می‌گردد. در اینجا به نظر می‌رسد سخنان راشی با هم متضاد هستند ، زیرا در ابتدا راشی نوشت که به سبب نشست و برخاست با شخص غیریهودی باعث شد که او به غریبه فروخته شود ، ولی در ادامه ، راشی می‌نویسد که به داد و ستد با میوه‌های سال شمیپا باعث شد که این شخص به غریبه فروخته گردد.

در پاسخ می‌توان گفت هیچ تضادی در سخنان راشی وجود ندارد ، این شخص راه هم قومی‌ای خود را رها نمود و به جای اشتغال به آموزش تورا ، با غریبه‌ها و افراد غیر یهودی رفت و آمد نمود و متوجه گشت که آنها به جای آموزش تورا و انجام میصواها ، مشغول به کار هستند و از هر فرصتی برای پول درآوردن و جمع آوری ثروت استفاده می‌کنند.

او نیز این راه را در پیش گرفته و در سال شمیپا ، بجای تقویت ایمان خود به خد-اوند ، شروع به فروش میوه‌های سال شمیپا نمود و نه تنها میوه‌های مزرعه خود ، بلکه از مزرعه‌های دیگر که به سبب سال شمیپا میوه‌های خود را رها کرده بودند ، میوه دزدی نمود و این میوه‌ها را فروخته و به تدریج پول جمع کرده و فکر نمود راه درستی را در پیش گرفته است. ولی عاقبت ، به دلیل پول ممنوعی که به دست آورده بود ، ثروت خویش را از دست داد و در انتها ، به سبب عدم توبه ، آن چنان وضع مالی وی بد گشت که مجبور شد خود را به شخص غیر یهودی بفروشد ، در نزد او غلامی کرده و خدمتکار بت شود و برای بت کارگری نماید.

به طور کلی ، پولی که فرد از راه نادرست به دست می‌آورد، آینده خوبی ندارد ، هم چنان که هناوی بیرمیا (فصل هفدهم) می‌فرماید: "شخصی که از راه نادرست ثروت به دست می‌آورد ، در نیمه زندگی آن را رها خواهد نمود و عاقبتش بد خواهد بود."
هاراداک در تفسیر این عبارت می‌نویسد:

در این پاراشا می‌خوانیم اگر غریبه‌ای که با تو زندگی می‌کند ، توانست یکی از افراد قوم تو را که فقیر شده را به عنوان غلام بخرد ، باید این شخص را نجات داد و نگذاشت در نزد آن غریبه ، غلامی نماید.

راشی در تفسیر این مورد می‌نویسد:

"چه موردی باعث شد که این غریبه ، ثروتمند شود و بتواند یکی از افراد قوم تو را به عنوان غلام بخرد؟"

راشی در پاسخ می‌نویسد: "نشست و برخاست او با تو."

راشی در ادامه می‌پرسد: "و چه موردی باعث گردید که هم قومی تو فقیر شود؟"

راشی در پاسخ می‌نویسد: "نشست و برخاست او با این غریبه و آموختن رفتار وی. حال این غریبه که بت‌پرست است ، هم قومی تو را خریده و این فرد هم قومی تو برای یک بت‌پرست و عبادت بت زحمت می‌کشد ، پس فوراً باید او را نجات داد و نگذاشت بیش از این ، این شخص با غریبه‌ها همسان گردد."

از این سخنان راشی می‌آموزیم ارتباط و رفت و آمد با این شخص غریبه ، باعث شده که این یهودی آن چنان افت نماید و به جایی برسد که غلامی یک بت‌پرست را نموده و برای عبادت بت زحمت بکشد.

سپس تورا دستور می‌دهد: "برای خود بت درست نکنید."

راشی در تفسیر این مورد می‌نویسد:

"تورا این امر را برای کسی نوشته که به غیر یهودی فروخته شده ، این شخص نباید بگوید صاحب من بت‌پرستی و زنا می‌کند ، احترام شبات را نگه نمی‌دارد ، پس من هم همانند او رفتار می‌نمایم.

تورا این دستور را می‌دهد که حتی با اینکه این شخص

یهودی در نزد یک غیریهودی زندگی می‌کند، موظف است که فرامین تورا را نگه داشته و به دنبال رفتار صاحب خود کشیده نشود."

راشی در ادامه می‌نویسد: "تمام مطالب این پاراشا به ترتیب نوشته شده‌اند ، اگر شخص میصوای شمیپا را نگه ندارد ، محتاج شده ، مجبور می‌شود که وسایل خانه خود را بفروشد ، اگر توبه نکرد ، مجبور می‌شود زمین خود را بفروشد ، اگر توبه نکرد ، مجبور می‌شود خانه خود را بفروشد ، اگر توبه نکرد ، مجبور می‌شود پول نزول کند و

با خود می‌گفت: "من یک چشمه خون پیدا کردم ، چشمه‌ای که هر لحظه بیشتر و بیشتر خون می‌دهد!..."
ولی شخصی که از کنار نگاه می‌کند ، می‌داند منبع این خون کجا است ، از زبان خود گریه! گریه فکر می‌کند ثروت بسیاری پیدا کرده ، ولی نمی‌داند خود او منبع این خون است و هر باره بیشتر به خود ضربه می‌زند.

به همین صورت نیز شخصی که از راه نادرست پول به دست می‌آورد ، ابتدا فکر می‌کند پول بسیاری به دست آورده و ثروت او به تدریج بیشتر می‌شود. ولی دانشمندان تورا توضیح می‌دهند منبع این ثروت نشامای انسان است و از نشامای خود کم می‌کند.
تورا نشان می‌دهد که رفت و آمد با دیگران و دوستی با این و آن چقدر در رفتار و سرنوشت انسان تأثیر دارد و به همین جهت ، شخص باید دقت زیادی داشته باشد که با چه کسانی رفت و آمد دارد.

"این شخص در نیمه زندگی خود می‌میرد و تمام ثروتی که جمع کرد برای دیگران می‌ماند و یا در نیمه زندگی ثروت خود را از دست داده و هیچ چیز برای او باقی نمی‌ماند و گاهی ، هر دو اتفاق با هم رخ می‌دهند."

ربی اوراهام مونساً روحش شاد فرمود:

مادر بزرگ من این مطلب را با مثالی توضیح می‌داد:

گریه‌ای بود که در راه ، سوهانی دید که روی آن یک قطره خون بود. گریه با خود گفت:

"چه خوب ، یک قطره خون هم خوب است."

و شروع کرد به لیس زدن سوهان و هر چه بیشتر سوهان را لیس می‌زد ، خون روی سوهان بیشتر می‌شد. گریه با خوشحالی به خونی که هر دفعه زیادت‌تر می‌شد نگاه می‌کرد و تندتر و تندتر لیس می‌زد و

امتراه شبات

آن شخص با لبخندی گفت: "من خوب می‌دانم که امروز شبات است."

همگید از دوبنا با همان لحن مهربان دوباره پرسید:

"پس حتماً نمی‌دانی یا فراموش کردی در روز شبات نباید آتش روشن کرد و سیگار کشیدن ممنوع است."

آن شخص با نیشخندی گفت: "خیر ، من خوب می‌دانم که در روز شبات نباید سیگار کشید."

همگید از دوبنا با لبخندی فرمود: "من متوجه می‌شوم تو مرد حقیقت هستی و فقط راست می‌گویی ، حیف تو است در این دنیای

پر از دروغ باشی ، تو باید فوراً به عالم سرتاسر از حقیقت بروی!"

این پاراشا درباره میصوای شبات نیز توضیح داده و تأکید می‌نماید که باید احترام شبات را نگه داشت.

یک بار در روز شبات ، همگید از دوبنا روحش شاد در حال رفتن به کنیسا بود که یکی از یهودیانی که دین را ترک کرده بود ، وی را دید. این شخص برای عصبانی کردن همگید از دوبنا ، سیگاری درآورد ، آن را روشن و شروع به سیگار کشیدن کرد.

همگید از دوبنا که می‌دانست منظور این شخص عصبانی کردن است و نصیحت معمولی فایده‌ای ندارد. از سوی دیگر ، تورا دستور داده که باید هر فرد یهودی که دست به گناه می‌زند را نصیحت نمود. پس تصمیم گرفت این شخص را به صورت مبتکرانه‌ای نصیحت نماید. همگید از دوبنا به نزد او رفت و با مهربانی پرسید:

"شبات شالم فرزندانم ، آیا نمی‌دانی که امروز شبات است؟"

قابل توجه خوانندگان گرامی

در مملهای ذیل امکان دریافت نشریه چاپ شده وجود دارد و به هیچ عنوان نماینده‌ای

برای جمع‌آوری کمک به نشریه ندارد:

* **یروشالیم:** گئولا ، فیابان ملفی ایسرائل شماره ۲۵ فروشگاه آقای فرجیان

* **تل آویو:** فیابان علیا شماره ۲۳ ، آقای کهن فولادی ۹۳۷۸۲۸۱-۵۴۰ * **کفرسابا:** آقای مروتی کهن تلفن ۳۵۶۱۵۲۹-۵۲۰

* **ناتانیا:** آقای فرهاد تراشندگان تلفن ۸۶۸۶۸۸۶-۵۲۰ * **پیتار:** خانواده آقای نورانی تلفن ۸۱۴۲۸۹۳۶-۵۴۰

* **تارنمای:** [پاراشای هفته ۱](#) [پاراشای هفته ۲](#)